

بسمه تعالی  
**نهضت آزادی ایران**  
تاسیس ۱۳۴۰

## تحلیل شرایط ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

شماره: ۱۴۵۹  
تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۲۹

### هموطنان عزیز

انتخاب نمایندگان ملت و رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم در هر کشور یکی از بارزترین شاخصهای حاکمیت ملی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است و به ویژه در کشوری مانند ایران که قرن‌ها در زیر سلطه استبداد بوده است، می‌بایستی از هیجان بیشتری برخوردار باشد.

از طرف دیگر، برای هر حزب سیاسی، مقطع انتخابات بهترین فرصت برای انتقال پیام آن به مردم و حضور فعالانه در صحنه سیاسی کشور خود می‌باشد.

با توجه به دو عامل بالا، نهضت آزادی ایران همواره آرزو داشته است که در هر دوره انتخابات، با فراهم شدن کلیه شرایط لازم برای آزادی انتخابات و شرکت احزاب و گروههای سیاسی در آن، نقش موثری را در این باره ایفا کند ولی متأسفانه به دلایلی که ذیلاً ذکر خواهد شد تا کنون این آرزو به جز در یکی دو دوره اول تحقق نیافته و بلکه هر سال دست نیافتنی‌تر شده است.

در چهارده سال گذشته، چند همه پرسی (تغییر نظام، قانون اساسی و تغییر قانون اساسی) و چندین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و ریاست جمهوری برگزار گردیده و ظواهر یک نظام مردمی و متکی بر دموکراسی حفظ شده است. بنابراین، شاید این تصور پیش آید که همه چیز به جای خود صحیح و از مشروعیت کافی برخوردار است، ولی با کمال تأسف باید اذعان کرد که طی ۱۳-۱۴ همه پرسی و انتخاباتی که صورت گرفته است روز به روز شاهد افت بیشتر کمیت و کیفیت انتخابات بوده‌ایم، یعنی چه به لحاظ کمی (نسبت رأی دهندگان به کل جمعیت) و چه به لحاظ کیفی، کاهش

مشارکت و افزایش بی تفاوتی و بی‌علاقگی از سوی مردم را مشاهده کرده‌ایم. حال باید دید که علت چیست و چرا نمی‌توان انتخابات جدید را مورد تایید قرار داد و در آن شرکت نمود؟

۱- دموکراسی و شرکت آگاهانه مردم در انتخابات ملزومات و مقتضیاتی دارد که با فقدان آنها، صرف برگزاری انتخابات و حفظ ظواهر (که در رژیم منفور گذشته هم رعایت می‌شد) مسئله‌ای را حل نخواهد کرد. این مقتضیات به شرح زیر است:

الف- انتخابات مربوط به نمایندگان مجلس یا رئیس جمهوری در واقع نمایشگر چگونگی اعمال دموکراتیک حق حاکمیت ملت که در فصل پنجم قانون اساسی به تفصیل آمده است، می‌باشد ولی انتخابات آزاد و مشروع یا دموکراتیک بدون وجود فضای باز سیاسی در جامعه و تحقق عینی و عملی حقوق و آزادیهای اساسی ملت، که در فصل سوم قانون اساسی به صراحت بیان شده است، امکان پذیر نیست. در یک جامعه بسته سیاسی، برگزاری انتخابات آزاد یک شعار تو خالی و یک نمایش بی‌معنا و بی‌فایده می‌باشد.

ب- انتخابات ادواری پیش‌بینی شده در قانون اساسی برای انتخاب اعضای قوای مقننه و مجریه برای آن است که صاحبان اصلی مملکت یعنی مردم ایران بتوانند با بررسی و ارزیابی کارنامه و عملکرد نمایندگان خود در مجلس و یا رئیس جمهوری، همان افراد را یا اشخاص دیگری را با برنامه‌ها و تواناییهای بهتر به این سمت برگزینند.

ج- دموکراسی پارلمانی و انتخاب مستقیم رئیس جمهور از سوی مردم مستلزم وجود احزاب ملی و مستقل و نهادهای سیاسی است که به طور منظم و مستمر، عملکرد مسئولان و برنامه‌ها و تواناییهای نامزدها (کاندیداها) را از جهات مختلف مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار دهند و درباره آنها اظهارنظر کنند. به عبارت دیگر، قضاوت درباره برنامه‌ها و شناسایی به موقع کاندیداها و گزینش یک فرد از میان تعداد کافی نامزد انتخابات، مستلزم وجود آزادیها و فرصت کافی برای طرح مسائل و برنامه‌ها و تبلیغ کافی درباره کاندیداها است، به طوری که مردم بتوانند به خوبی در جریان رقابت واقعی نامزدان، همراه با ارائه برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کاندیداها، قرار گیرند و بدانند که چه فردی را و به چه دلیل باید انتخاب کنند.

۲- در شرایط کنونی، نه تنها هیچیک از مقدمات ضروری برای برگزاری انتخابات آزاد وجود ندارد، بلکه کاملاً در جهت خلاف آن است. ذیلاً به پاره‌ای از موارد اشاره می‌شود.

الف- شیوه‌گزینش کاندیداها، حذف نامزدهای مستقل و بدون وابستگی به حاکمیت و دخالت آشکار و یکسویه شورای نگهبان در کنار گذاشتن کاندیداهایی که مردم باید آنها را انتخاب یا رد کنند موجب شده است که کسانی که مردم آنها را شایسته انتخاب شدن می‌دانند از شرکت در انتخابات صرف‌نظر کنند و خود را کنار بکشند و یا در صورت ثبت نام برای شرکت در انتخابات پیشاپیش توسط شورای نگهبان حذف شوند. در واقع، شورای نگهبان بر اساس گرایش و سلیقه سیاسی تصمیم می‌گیرد و نه در چهارچوب ضوابط قانونی.

ب- عدم امنیت شرکت‌کنندگان ناوابسته به حاکمیت یا غیرموافق، مسئله انتخابات را روز به روز به صورت نمایشی‌تر و تصنعی‌تر در آورده است، به طوری که نه فقط کسانی که شایستگی انتخاب شدن را دارا هستند بلکه اکثریت مردم و قاطبه روشنفکران، شرکت در انتخابات را کمتر به عنوان یک امر حیاتی و یک وظیفه ملی و میهنی می‌نگرند و لذا فقط قشرهای معینی از مردم، آنهم برای ادای تکلیف، در انتخابات شرکت می‌کنند. بدیهی است که این گونه مشارکت در تعیین سرنوشت کشور برای آینده سیاسی مملکت بسیار خطرناک بوده و موجب سلب اعتماد مردم و بهانه‌گیری نهادهای بین‌المللی در مورد صحت انتخابات و صداقت برگزارکنندگان آن شده است، به ویژه هنگامی که مقام مسئولی مانند وزیر کشور آشکارا اظهار کند که فقط یک نفر لیاقت مقام ریاست جمهوری را دارد.

ج- قدرت تبلیغاتی وسیع و بی‌حد و مرز تنها یک داوطلب واقعی ریاست جمهوری از تریبونهای عمومی و امکانات ملی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات، نماز جمعه، سفرهای تبلیغاتی و غیره و عدم امکان دسترسی سایر کاندیداها به چنین ابزارهایی مسئله رقابت صحیح انتخاباتی را عملاً منتفی می‌سازد و هیچ فرصت و امکانی را برای افرادی غیر از دست اندرکاران فراهم نمی‌کند.

د- امکان ارزیابی عملکرد تنها نامزد واقعی انتخابات و سوابق و صلاحیت سایر نامزدان از سوی مردم وجود ندارد. در طی چهارده سال گذشته، رسانه‌های جمعی انحصاری تنها به تبلیغ و تجلیل دستاوردهای ادعایی حاکمان پرداخته‌اند و شرایط و امکانات سیاسی لازم برای اشخاص یا گروه‌های

غیرموافق وجود ندارد تا این عملکردها مورد بحث و بررسی و انتقاد قرار گیرد و بر مردم روشن شود که این ادعاها تا چه حد قابل اعتماد یا قابل اعتناست.

ه- فقدان آزادی فعالیت احزاب و گروههای سیاسی و مطبوعاتی غیردولتی و فشارهای گوناگون بر کسانی که مسائلی اساسی را طرح می‌کنند، ایجاد محیط رعب و وحشت و بالاخره عدم امکان نظارت دقیق از سوی مخالفان و نهادهای مستقل بر روند انتخابات و نظارت احتمالی از سوی گروههای خاص موجب می‌شود که افرادی که امکان بالقوه انتخاب شدن را دارند از شرکت در انتخابات باز ایستند.

و- توقف یا عدم اجرای انتخابات در سطوح پایین‌تر مانند شوراهای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان که در فصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی پیش‌بینی شده است موجب گردیده که مردم نتوانند تدریجاً و در طی یک فرآیند مستمر انتخاباتی آموزشهای لازم را ببینند و نیز خود را برای احراز پستهای بالاتر و کلیدی مانند ریاست جمهوری آماده سازند. در نتیجه، اگر چه وزارت کشور در هر دوره انتخابات نام تعداد زیادی کاندیدا را اعلام می‌کند، در بین آنها افراد مجرب و با سابقه‌ای که برای مردم شناخته شده باشند، کمتر به چشم می‌خورد و عملاً تعداد کاندیداها به یک یا چند نفر محدود می‌شود که تازه آنها نیز طیف‌های معینی از یک گرایش سیاسی و از شخصیت‌ها را در بر می‌گیرند، به ویژه که مقامات کلیدی و اساسی انحصار بیشتری پیدا کرده و تنها قشر خاصی خود را شایسته انتخاب شدن برای آنها می‌شمارند.

با توجه به تسلط حاکمیت بر مجموعه فعالیت‌های انتخابات و عدم حضور احزاب رسمی و مسئول، نتیجه انتخابات تقریباً از پیش برای همه روشن است و چنین انتخاباتی فاقد ارزش اجتماعی، فرهنگی و سیاسی لازم می‌باشد. مردم و حتی خود مسئولان تنها افزایش تعداد شرکت کنندگان را مهم می‌شمارند و به صورت مکرر و دائم به یک یا چند نفر رأی می‌دهند. به عبارت دیگر به هر دوره انتخابات حالت همه‌پرسی (رفراندوم) می‌دهند. مسلم است که چنین روشی پیامدهای وخیمی برای آینده کشور در بردارد، زیرا روند فعلی بی‌تفاوتی سیاسی را تشدید می‌کند، به فساد اداری و بی‌اعتبار شدن انتخابات منجر می‌شود و پشتوانه مردمی حاکمیت را ضعیف‌تر می‌سازد و در نهایت، به از بین رفتن کامل مشروعیت سیاسی - حقوقی حاکمیت می‌انجامد.

نهضت آزادی ایران به حکم وظیفه ملی و اسلامی خود در هر یک از دوره‌های انتخاباتی حداکثر تلاش خود را به کار برده است تا دولت و حاکمیت را به تمکین از قانون اساسی و مردم را با شیوه‌های صحیح مشارکت آشنا کند و ملت را به دخالت در انتخابات تشویق و ترغیب نماید. خود نیز همواره آماده بوده است که در صورت وجود شرایط مناسب، فعالانه در انتخابات شرکت کند و کاندیدا یا کاندیداهایی را معرفی نماید. ولی صد افسوس که شرایط فوق‌الذکر موجب شده است که این نیت خیر هیچگاه به نتیجه عملی منجر نشود. اینک نیز که ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در شرف برگزاری است و در شرایطی که کشور عزیزمان به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در وضعیت نابسامان و ناپایداری قرار گرفته است، تمامی امکانات را از نهضت آزادی ایران با بیش از سی سال سابقه فعالیت سیاسی و شرکت فعالانه در انقلاب اسلامی ایران سلب کرده‌اند.

در حالی که دفتر نهضت آزادی همچنان بسته و روزنامه میزان ناشر افکار نهضت در توقیف است، سران نهضت در معرض تهدید و انواع مضیقه‌ها هستند، وزارت کشور از صدور پروانه فعالیت برای نهضت خودداری می‌کند و قانون احزاب را نادیده گرفته است و مجموعه احزاب و روشنفکران به انزوا کشیده شده‌اند، نهضت آزادی چگونه می‌تواند در چنین انتخاباتی با صورت موثر و مفید شرکت کند؟ چنین انتخاباتی نه مردم را به هیجان می‌آورد، نه حاکمیت از آن طرفی خواهد بست و نه گرهی از مشکلات مسئولان و مردم باز خواهد کرد. به تعبیر دیگر، مسئله اصلی کشور ما که یک مسئله سیاسی و مستلزم مشارکت واقعی مردم در فعالیتهای مربوط به آنهاست همچنان لاینحل باقی خواهد ماند. بنابراین آنچه گفته شد، نهضت آزادی ایران با وجود کمال علاقه‌ای که به شرکت موثر و فعالانه در انتخابات دارد به دلیل وجود شرایطی که برای کشور به طور اعم و برای نهضت آزادی به طور اخص وجود دارد از معرفی کاندیدا و شرکت در ششمین دوره انتخابات ریاست جمهوری معذور است.

**نهضت آزادی ایران**

اردیبهشت ماه ۱۳۷۲